

شماره مسلسل (۱۰)

# فرہنگستان نامہ

سال پنجم - شماره اول

فروردین ۱۳۲۶

## فهرست این شماره

- شرفیابی اعضاء فرهنگستان بحضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی صفحه ۱  
» ۹ انجمن ادبی فرهنگستان ایران  
» ۱۳ انجمن علمی  
» ۱۴ خطابهٔ پرورسور ماسینیون  
» ۲۶ اشعار جناب آقای ملک الشعراء بهار
- 

## نامهٔ فرهنگستان

« نامهٔ فرهنگستان » بمنظور انتشار خطابه ها و سخنرانی ها و مقالات اعضاء فرهنگستان ایران در سال ۱۳۲۲ ایجاد، و تا کنون ده شماره از آن چاپ شده است. هر شماره از نامهٔ فرهنگستان (جز این شماره) ۶۸ صفحه، و بهای هر شماره پانزده ریال، و دورهٔ کامل آن در دبیرخانهٔ فرهنگستان موجود است. باتشکیل « انجمن علمی » و « انجمن ادبی » در فرهنگستان، امید است که در آینده هم بر تعداد صفحات این نامه و هم بر تعداد شماره های سالیانه بیفزائیم و با انتشار آثاری از این دو انجمن توفیق یابیم.

کتابخانهٔ « دانش » خیابان سعدی .  
کتابخانهٔ « ابن سینا » چهارراه شاه آباد.

محل فروش:

---

باهتمام و سردبیری : حبیب یغمائی

# فرهنگستان نامه

شماره اول

فروردین ماه ۱۳۲۶

سال پنجم

شرفیابی آقایان اعضای فرهنگستان ایران

بپیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

بر حسب احضاری که از طرف قرین الشرف همایونی شده بود آقایان اعضاء فرهنگستان ایران ساعت ده صبح سه شنبه ۲۲ بهمن ماه ۱۳۲۵ بشرح زیر در کاخ مرمر پیشگاه همایون شاهنشاهی شرفیاب گردیدند :

ادیب السلطنه سمیعی ( رئیس فرهنگستان ) ، علی اکبر دهخدا ، ملک الشعراء بهار ، دکتر متین دفتری ، دکتر علی اکبر سیاسی ، دکتر صدیق ، علی اصغر حکمت ، مصطفی عدل ، سر اشکر نخجوان ، سرتیپ مقتدر ، سعید نفیسی ، فروزانفر ، همائی ، بهمنیار ، تقوی ، احمد اشتری ، مسعود کیهان ، گل کلاب .

نخست جناب آقای سمیعی شرح زیر را بعرض پایه سربر اعلی رسانیدند :  
اعلیحضرتا فرهنگستان ایران افتخار دارد که امروز بشرف زیارت ذات مقدس ملوکانه نائل گردیده و سپاس بی پایان خود را از ادراک چنین توفیق و سعادتى تقدیم میکنند .

مایه بسی امیدواری است که اعلیحضرت همایون شاهنشاهی همانطور

که تمام امور مملکتی و شئون ملی و اجتماعی توجه مخصوص دارند  
فرهنگستان ایران نیز همیشه نظر عنایت معطوف می‌فرمایند و بشوق و امید  
همین عواطف خسر و آینه است که فرهنگستان تا کنون بر پای ایستاده و با همه  
مشکلات و عدم وسائلی که دارد وظایف خود را تا اندازه‌ای که میسر باشد  
انجام می‌دهد.

اعضای فرهنگستان اگر کمتر استعدای شرفیابی می‌کنند و بدرک  
حضور باهرالنور ملوکانه نازل میشوند برای اینست که اوقات گرانبهای  
شاهانه را که مصروف معظمت امور کشورست تمسّیح نکنند و بهمین قدر  
اکتفا و افتخار دارند که در سایه توجهات کامله اعلیحضرت شاهنشاهی بتوانند  
وظایف خود را مطابق منویات خاطر خطیر مبارک انجام بدهند و اینک  
در صورتی که اجازه فرمایند آقای بهار (ملك الشعرا) رئیس انجمن ادبی  
فرهنگستان و آقای فروزانفر منشی هیئت رئیسه فرهنگستان شمه‌ای از جریان  
امور فرهنگستان بعرض پیشگاه مقدس خواهند رسانید.

سپس جناب آقای بهار شرح زیر را بعرض رساندند :

فرهنگستان ایران یکی از یادگارهای برجسته اعلیحضرت شاه فقید است.  
فرهنگستان مدنی بر حسب امر و اشاره اعلیحضرت شاه فقید باصلاح لغاتی که با  
موجود بودن نظایر آن لغات در زبان فارسی متداول گردیده و مخصوصاً در دوا  
دولتی و کتب علمی متراکم شده بود پرداخته و در اینراه اصلاحاتی بکار برد لیکن  
مدنی بود از لحاظ اینکه دیگر حاجتی بنشر و اعلام لغات جدید نبود اخیراً اعضای آن  
بسخرانیهای مفید میپرداختند و اخیراً بتهیه دستور زبان و کتاب فرهنگ مشغول  
بودند و از لحاظ خدمت کاملتر بادییات ایران تصمیم گرفته‌اند بوسیله انجمنهای  
ادبی و علمی شروع بفعالیت اساسی تری نمایند.

خاطر مبارک مستحضر است که ادبیات فارسی از حیث دامنه لغت و تاریخ و سبک  
و اسلوب وسیعترین ادبیات جهان است و بنا باعتراف آقای دهخدا که یکی از  
بزرگترین رجال علم و ادب میباشند هر گاه لغات فارسی در فرهنگ جامعی ضبط  
شود بزرگترین کتاب لغت دنیا خواهد بود.

از لحاظ وسعت دامنه تاریخی نیز همین طور است و بهمین جهت است که محصل

ادبیات فارسی بایستی از امروز تا عصر زرتشت و دوره مادی و هخامنشی را تحت مطالعه قرار دهد تا بتواند این میدان پهناور را طی کند این ادبیات وسیع باید مورد حمایت قرار گیرد زیرا حیات و استقلال ایران بسته بزبان و زبان بسته بتدریس ادبیات آن زبان است بنا براین انجمنی بنام انجمن ادبی فرهنگستان که خشت نخستین آن در سایه توجهات شاهانه روز گذشته نهاده شد از طرف فرهنگستان ایجاد گردید و این انجمن بوسیله کمیسیون های ده گانه از قبیل کمیسیون زبان شناسی، کمیسیون باستانشناسی، کمیسیون قواعد و دستور زبان، کمیسیون تئاتر و موسیقی و ترانه ها، و کمیسیون های دیگر که هر کدام باید وظایف خاصی را عهده دار شوند و خوشبختانه افراد متخصص هنوز داریم که خوب از عهده این خدمات برمی آیند اداره خواهد شد و اساسنامه و برنامه آن تدارک شده و توسط هیئت مدیره اجرا خواهد گردید. این انجمن و انجمن علمی دیگری که نظیر انجمن ادبی در نظر است افتتاح گردد فعالیت تازه تری در راه علم و ادب بوجود خواهد آورد و راه مطالعه و تحقیقات و بحث و انتقاد جدیدی را باز خواهد کرد که در ایران سابقه نداشته است، چه معهود چنین بوده است که انجمن های ادبی غالباً بخواندن اشعار اکتفا می کرده اند ولی وارد بحث و انتقاد در تمام شئون ادبی نمیشده اند و ما این نقص را در سایه توجهات ملوکانه بر طرف خواهیم کرد. امید داریم این رویه تازه که از طرف فرهنگستان آغاز میشود با توجهات کامله ذات اقدس شاهانه و مساعدت دولت بیشتر بتواند بادبیات کشور شاهنشاهی خدمت کند و این بهترین یادگار پادشاه فقید در سایه این قسم فعالیتها و تحت توجه ملوکانه یادگاری جاودانی شده و مورد قدردانی قرار گیرد.

پس از آن آقای فروزانفر جریان امور فرهنگستان را معروض داشتند:



### شاهنشاهی

درست سه سال پیش بود که اعضاء فرهنگستان ایران به پیشگاه مبارک بار یافتند و از تفقدات شاهانه برخوردار گردیدند.

کشور ایران در این مدت با حوادث ناگواری مواجه بود که در طی تاریخ

چند هزار ساله خود نظیر آن کمتر دیده است و فراغت خاطر و جمعیت حواس و امیدواری به آینده که از اهم ضروریات بجهت امور علمی و کارهای فرهنگی است از طبقهٔ علما و فرهنگیان بخصوص سلب شده و دلها و دستها از کار افتاده بود . فرهنگستان ایران با وجود این مقدمات از مقصد اصلی خود منحرف نگردد و با همه دشواریها و نگرانیها بخدمات علمی خود ادامه داده و وظائف ذیل را مورد توجه قرار داده است .

نخست تألیف فرهنگی مشتمل بر چهل و دو هزار لغت از آنچه در زبان فارسی متداول و در کتب مشهور ادبی بکار رفته است خواه ریشهٔ آن فارسی باشد یا آنکه از زبانهای دیگر گرفته شده باشد با ذکر معانی و استعمالات و ترکیبات مختلف هر کلمه و شرح اصطلاحات علوم و فنون متداوله و ذکر شواهد و امثال در مورد لزوم بطوریکه مورد استفاده دانشجویان دانشکده ها و دانش آموزان دبیرستانها واقع گردد .

طبیعی است که چون تا کنون فرهنگی جامع که شامل این خصوصیات باشد در زبان فارسی تألیف نشده کلیهٔ فارسی زبانان و کسانی که میخواهند بزبان فارسی آشنائی حاصل کنند از این تألیف مستفیض خواهند گردید و پس از فرهنگ جامع و مبیوط آقای دهخدا که یکی از کارهای جهانی و کم نظیر است این فرهنگ مختصر یکی از وسائل نشر و تهیل زبان فارسی خواهد بود .

چنانکه برخاطر خطیر همایونی روشنت کاخ ملیت ما بر روی چند پایهٔ مهم و اساسی استوار است و زبان و ادبیات فارسی قوی ترین و ثابت ترین ستونها و پایه های این کاخ بشمار میرود و ارتباط قوم ایرانی در طول قرون متمادی و روزگاران دراز بدینوسیله محفوظ مانده و بهمین نظر پادشاهان ژرف بین و دقیقه یاب و عاقبت اندیش ایران آن روزگار صفاریان و سامانیان در نشر و حمایت زبان و ادبیات فارسی سعی بلیغ و جهد وافی مصروف داشته اند و شاید اگر در رعایت این اصل خطیر مراقبت کافی بعمل می آمد بسیاری از این حوادث جانگذار که با آن روبرو شدیم روی نمی نمود .

فرهنگستان ایران متوجه گردید که یکی از موجبات نشر و اشاعه هر زبان تسهیل و تهیه مقدمات یاد گرفتن آن زبانست و بدین جهت تهیه فرهنگ را جزو وظائف اصلی و اولی خود قرارداد و طرح آنرا با مطالعه دقیق متخصصین و اهل فن آماده نمود و دو سال پیش در زمان وزارت آقای دکتر صدیق نائب رئیس فرهنگستان از طرف وزارت فرهنگ تألیف کتاب لغت بمرحله عمل در آمد و عده بی از اعضاء فرهنگستان بمشورت و همراهی یکدیگر دست بکار شدند و اینک آن تألیف در شرف اتمام است و امید میرود که با عنایات شاهانه و سائل طبع و انتشار آن فراهم گردد و تا مهر ماه آینده در دسترس محصلین گذارده شود.

دوم - چون فرهنگ و ادبیات کشور ما دامنه بسیار وسیعی دارد و با کوششی که بر اثر نهضت جدید در تعریف و بیان و توضیح و تحقیق احوال ادبی و تحولات فرهنگی کشور و شناساندن مفاخر علمی ایران بکار رفته هنوز هم در ادبیات فارسی لازم انجام نگرفته و این آفتاب درخشنده در زیر ابرهای ابهام مستور مانده و هزار يك از بزرگان کشور و مفاخر علمی ایران شناخته و شناسانیده نشده اند بدین جهت فرهنگستان لازم دید که بکرشته سخنرانی دائر کند که موضوع آن تحقیق مطالب تاریخی و لغوی و مطالبی نظیر آنها باشد و در این باره از طرف اعضاء فرهنگستان خطابه های مفید و جامع در جلسات رسمی ایراد شده و در مجله فرهنگستان انتشار یافته است.

سوم - نظر بر آنکه یکی از وظائف فرهنگستان که در اساسنامه آن پیش بینی شده راهنمایی و هدایت مردم بچگونگی و حقیقت ادبیاتست در سال جاری فرهنگستان يك رشته سخنرانی عمومی دائر ساخت و نخستین خطابه بوسیله آقای دکتر شفق عضو پیوسته فرهنگستان ایراد گردید.

علاوه بر اینها فرهنگستان با غالب کشورهای مترقی جهان ارتباط دارد و عده ای از دانشمندان مشهور گیتی را بعضویت وابسته انتخاب کرده و در موقع عبور از کشور آنان را بجلسات رسمی خود دعوت نموده و از اطلاعات ایشان بهره مند شده است.

سال گذشته آقای پروفیسور ماسینیون عضو وابسته فرهنگستان ایران در یکی از جلسات رسمی نطق محققانہ ای دربارہ تأثیر ایران در تمدن اسلامی ایراد نمودند. فرهنگستان وظائف خطیر و سنگین بر عہدہ دارد و شاید در نتیجہ عبرتی کہ از حوادث تازہ گذشتہ گرفتہ بسنکینی تعہدات ملی خود واقف تر شدہ باشد ولی وسائلی کہ در دست دارد بنسبت این تعہدات سخت ناچیز و نادرخور است و اگر در پرتو اہتمام و علاقہ و عنایات شاہانہ نسبت بفرہنگ و فرہنگیان وسائل کار آمادہ گردد بی شک خواہد توانست کہ با کمال سربلندی از عہدہ وظائف خود بیرون آید و بکشور خویش خدمات گرانبہا تقدیم دارد.

بمدار عرابی کہ آقایان بہار و فروزانفر بعرض رسانیدند اعلیٰ حضرت ہمایونی شاہنشاهی آقایان اعضاء فرہنگستان را مورد توجہ مخصوص و طرف خطاب ملوکانہ قرار دادہ بیانات زیر را ایراد فرمودند:

#### بیانات ملوکانہ

آخرین دفعہ ای کہ در ہمین اطاق بیدار آقایان اعضای فرہنگستان رسیدم سہ سال پیش بود و در این سہ سال اگر تماس ظاہری با آقایان قطع شدنہ بواسطہ این بود کہ نظر من نسبت بفرہنگستان و کارہای مهمی کہ بمعہدہ دارد تغییر کردہ بود بلکہ باین جہت بود کہ حوادث و وقایعی در این مدت روی میداد کہ ما ہر گاہ یکدیگر را میدیدیم جز اینکہ متاثر شویم نتیجہ ای نداشت. اینک بحمد اللہ آن حوادث بر طرف شد و مانہ تنہا از حیث مادی و معنوی روزگار شادی گذشتہ را از سر گرفتیم بلکہ از این حوادث سخت و ناگوار آزمودہ تر و ورزیدہ تر شدیم و حتی متوجہ این نکتہ شدیم کہ اگر در تقویت ارکان ملیت خودمان پیش از این وقایع آنچنان کہ میبایست اقدام مؤثری میکردیم یا اصلاً آن وقایع ناگوار روی نمیداد و یا اگر ہم روی میداد باین درجہ از شدت نہ برسید در ہر صورت این حوادث باعث شد کہ تماس ظاہری کہ در میان من و آقایان اعضای فرہنگستان بود مدتی منقطع بود و امروز خوشوقتم کہ بار دیگر در ہمین جا بیدار آقایان برخوردار شدہ ام و از کارہائی کہ در این مدت فرہنگستان کردہ و آنچه برای آیندہ خود طرح ریختہ



است مسبوق می‌شوم. البته آنچه آقایان تا کنون کرده‌اند بجا بوده ولی بعقیده من کافی نیست و در همین زمینه‌ها باید اقدامات مؤثرتر و وسیعتری بکنند زیرا که بعقیده من بزرگترین افتخار تاریخی کشور ما مقامی است که همیشه در عالم علم و ادب و جهان معنوی داشته البته ما افتخارهای نظامی بسیار هم داشته ایم و در جهانگیری و کشور داری مفاخر فراوان در تاریخ ما ثبت شده اما واضح است که نمیتوان متوقع بود که ملتی در همه میدانهای جنگ فاتح شود و ناچار ماهم گاهی در میدانهای جنگ شکست خورده ایم اما در میدانهای علم و ادب هرگز شکست نخورده ایم و همیشه غلبه با ما بوده است و بهمین جهت در نظر من استحکام مبانی ملی ما از این حیث واجب تر و مهم تر است و این کاری است که بدستگاه فرهنگی ما سپرده شده که نخستین مرحله آن دبستان و دبیرستان و آخرین مرحله آن فرهنگستان ایران است و خوشبختانه من می‌بینم که بزرگترین شخصیت‌های علمی کشور ما در آنجا جمع شده‌اند و بهمین جهت انتظاری که من از فرهنگستان در این زمینه دارم از هیچ‌بنگاه دیگری نمیتوان داشت و امیدوارم فرهنگستان مؤثرترین شرکت را در این زمینه با ما بکند. من میدانم که آقایان در کار خود کوتاهی نمیکنند اما گاهی مشکلات کوچکی مانع کار میشود که ضرر آن از مشکلات بزرگتر بیشتر است. مسئله همین فرهنگ آقای دهخدا که بآن اشاره کردید ظاهراً چندین سال است که صحبت از آن است و هنوز بی‌پایان نرسیده است و در این مدت مشکلات کوچک مانند کاغذ و غیره مانع از اتمام آن بوده است یادرباره همان ده هزار شعر راجع بتاریخ اشکایان که وقتی مذاکره آن بود ( اشاره بآقای ملک الشعراء بهار فرمودند ) لابد چنین مانع مختصری پیش آمده است. بهمین سبب من با آقایان اطمینان میدهم که من و دولت کاملاً اهمیت اینکار را درک کرده‌ایم و حوادث و غیره هم چشم‌ها را بیشتر باز کرده است و بر تجربه ما افزوده است و امیدواریم بتوانیم مصالح کشور خودمان را از این حیث کاملاً تأمین کنیم. همین سلسله سخن را بنیها که آقایان

بعهدہ گرفته اند بعقیدہ من کار بسیار خوبی است ولی باید دامنه آنرا وسعت داد و فقط باعضای فرهنگستان و کسانی که در تهر ان هستند قناعت نکرد و شهرستانها و کشورهای دیگر را هم در نظر گرفت و اعضاء فرهنگستان گاه گاهی بشهرهای دیگر هم بروند و ذهن مردم را از این حیث کاملاً باز کنند همچنانکه کشورهای دیگر علمای معروف خود را اینجا میفرستند و باین وسیله ما را از عظمت دستگاہ علم و ادب خود آگاه میسازند ما هم باید وسیله ای فراهم کنیم که اعضاء فرهنگستان ما بشهرهای دیگر بروند و عظمت معنوی کشور ما را آنچنانکه هست بهمہ معرفی کنند و من یقین دارم بدینوسیله از حوادث ناگواری که ممکن است بدبختانه برای کشور پیش بیاید جلو گیری خواهیم کرد و شاید در دنیای امروز یگانہ راه جلو گیری همین باشد بهمین جهت من خوشبختم کہ تماس ظاہری با اعضاء فرهنگستان دوبارہ برقرار شدہ و مخصوصاً لازم میدانم آقایان را مطمئن بکنم کہ ہرچہ از من بر بیاید در تأمین و اجرای مقاصد فرهنگستان و مساعدت با خدمات مهمی کہ بشکون میکنند خودداری نخواہم کرد و امیدوارم گاہگاہی باز بدیدار آقایان مسرور شوم و آقایان در کار خود بیش از پیش ابراز فعالیت کردہ و اسباب پیشرفت از ہر جهت فراہم کردد و مخصوصاً موجبات کار و تشویق جوانان فاضل و شرکت آنها در این قبیل انجمنها چہ علمی و چہ ادبی از ہر حیث آمادہ شود و تکرار میکنم کہ از طرف من ہم در اینباب بھیچوچہ کوتاہی نخواہد شد .



پس از خاتمہ بیانات عنایت آمیز خسروانہ آقایان اعضاء فرهنگستان با تقدیم احترامات فائقہ و عرض تشکرات خالصانہ از پیدشگاہ مبارک مرخص شدند .



جناب آقای حسین سمیعی (ادیب السلطنه)  
رئیس دانشمند فرهنگستان ایران

## انجمن ادبی فرهنگستان ایران

فرهنگستان ایران در سیصد و بیست و دومین جلسه عمومی برعایت ماده دوم اساسنامه فرهنگستان تصویب و تصمیم کرد که انجمنی مرکب از ادبا و شعرا و نویسندگان، بنام « انجمن ادبی » و نیز انجمنی مرکب از دانشمندان و علمای فنون مختلفه، بنام « انجمن علمی » تشکیل دهد.

بنابر این تصمیم بدو بتشکیل انجمن ادبی پرداخت و از آقایان ادبا و اهل فضل که سوابق هر يك در فنون مختلفه ادب محرز بود دعوت نمود که روز دوشنبه سی ام دیماه برای تأسیس انجمن ادبی بفرهنگستان تشریف فرما شوند.

آقایان مدعومین در روز و ساعت مقرر در تالار عمارت فرهنگستان مجتمع گردیده و هیئت مؤسسه انجمن ریاست جناب آقای سمیعی رئیس فرهنگستان تشکیل دادند و آقای سمیعی شرحی در سپاسگزاری از تشریف فرمائی آقایان و سبب این دعوت بیان کرده خاطر آقایان را از نیت و مقصود فرهنگستان در تشکیل انجمن ادبی مستحضر ساختند. پس از پایان بیانات آقای سمیعی و پاره مذاکرات مقرر شد که آقایان: بهار، همائی، فروزانفر، امیرخیزی، پورداود، دکتر فیاض، دکتر خانلری، دکتر خطیبی، ناصح، اساسنامه ای برای انجمن تنظیم و تهیه نمایند. در جلسه بعد آقایان سابق الذکر اساسنامه ای را که حاضر کرده بودند تسلیم داشتند و در همین جلسه جناب آقای ملک الشعراء بهار بریاست انجمن انتخاب شدند و از آن پس که رسمیت جلسه را اعلام کردند نطقی مؤثر و بلیغ که خلاصه ای از آن در ذیل چاپ میشود ایراد فرمودند.

در جلسه دیگر آقایان احمد اشتری و محمد علی ناصح بنیابت ریاست و آقایان حبیب یغمائی، دکتر خطیبی، و گلچین بسمت منشی گری، و آقای سهیلی خوانساری بصندوقداری انتخاب شدند.

در جلسات بعدی که بسال ۱۳۲۶ کشیده شد انجمن ادبی بتصویب اساسنامه و انتخاب اعضاء و تشکیل کمیسیونها و دیگر امور مقدماتی اشتغال داشت .

### خلاصه نطق جناب آقای ملک الشعراء بهار در نخستین جلسه انجمن ادبی فرهنگستان

آقایان محترم قبلالازم است از حسن نظر آقایان ادبا و دانشمندان و شعرای محترم نسبت بخود تشکر کنم که مرا بابضاعت مزجاة لایق ریاست این انجمن دانسته و اداره آنرا بمن واگذار کرده اند .

امیدوارم این انجمن که از بزرگترین دانشمندان و ادبا و شعرای ایران مقیم پایتخت تشکیل میشود بتواند آن وظیفه مقدسی را که تاریخ و زندگانی اجتماعی و ملی و احتیاج بعهدة او سپرده است انجام بدهد .

آقایان بر همه شما آشکار است که زبان و ادبیات پارسی از مشهورترین السنه زنده دنیا و از شیرین ترین زبانهاست و تاریخ ادبیات زبان فارسی از طولانی ترین ادوار تاریخی زبانهای زنده است .

ادبیات فارسی بطور اعم آنچه مربوط بدوران تاریخی زبان مردم ایران است از عهد زردتشت و اوستا آغاز میشود و لااقل از ششصدسال قبل از میلاد مسیح یعنی در درازای زیاده از بیستوپنج قرن تا امروز در پیچ و خم تاریخ تطورات و تحولاتی یافته و بر آب و رنگ و زیب و زینت و ثروت و فخایر خویش روز بروز افزوده است . زبان فارسی بواسطه قوت ادبی و ازبرکت علما و نویسندگان بزرگ و پیرکار خود وسعت زیادی یافته و امروز باوجود آنکه دست حوادث از پیشرفت و ترقی این زبان جلو گیری کرده باز در میان ملل مجاور هنوز قدرت و نفوذ معنوی خود را از کف نداده و کتابخانههای دنیا از آثار گرانبهای علمی و ادبی این زبان مملو است . اما باید اقرار کرد که هر گاه بدرستی از ادبیات فارسی حمایتی نشود مخاطرات بزرگی که بدبختانه در داخل خود این کشور موجب تهدید زبان ما را فراهم میآورد ممکن است پایه زبان فارسی را که بر روی ادبیات کلاسیک قرار دارد متزلزل سازد .

علاوه بر این پارهٔ تعصبات سیاسی نیز که مولود مسائل سیاسی است روزی با ادبیات عرب و روزی بفرهنگ عمومی و روزی بخود زبان فارسی حمله میکند و انحطاط پایهٔ تحصیلات فارسی در مدارس ما نمونهٔ آشکار این تعصبات است اینک باید دید چگونه از ادبیات فارسی باید حمایت شود.

یکی از طرق حمایت از ادبیات تشکیل مجامع و محافل ادبی است و این رسم یعنی دایر داشتن انجمن‌های ادبی از عهدی قدیم در ایران جاری و در ادوار مشروطیت نیز انجمن‌هایی دایر بوده که در آن محافل از مسائل فنی و علوم ادبی بحث می‌شده است. ولی باید اعتراف کرد که این انجمن‌ها آنطور که باید و شاید توفیق کامل حاصل نگردند.

در انجمن ادبی موسوم به « دانشکده » که در سالهای ۱۳۲۵-۱۳۲۷ هجری قمری دایر بود قدری زحمت کشیده شد و این انجمن طرق تازه‌ای در مباحثات فنی و علمی و تاریخی بدست داد و در پدید آوردن مکتب جدیدی که افکار تازه در قالب قواعد اصیل زبان فارسی ریخته شود کوشش نمود ولی از آن بی‌عده هر چند دنبالهٔ آن مکتب گرفته شد اما چیزی بر آن نیفزود.

در حدود سال ۱۳۰۰ شمسی نیز انجمنی بنام « انجمن ادبی ایران » با اهتمام و عضویت دانشمندان و شعرائی که تنی چند از آنان در این جلسه حضور دارند بوجود آمد. در این انجمن هم که تا این اواخر بهمت مرحوم افسر دایر ماند نیز زحمات زیاد کشیده شد اما پا از دایرهٔ شعر فراتر نهاده نشد و در بحث و انتقاد و تحقیقات فنی کار زیادی صورت نگرفت.

اینک ما میخواهیم با جلب مساعدت فرهنگستان ایران انجمنی که بتواند بچیران گذشته قدمهای جدی‌تری در راه تعلیمات فنی بردارد دایر سازیم و وظیفهٔ خود را در حمایت از ادبیات و زبان مادری خود بخواست خدا انجام دهیم.

فرهنگستان ایران تادیری بنشر لغات فارسی که رفته رفته در برابر هجوم لغتهای بیگانه از میان میرفت مشغول بود و تا حدی درین کار اجبار داشت و از حق نگذریم توانست صدها لغات زندهٔ فارسی را که از روی تفنن بلغات تازی و فرنگی

بدل گردیده بود بجای خود بر گرداند. اما امروز نه آن اجبار باقیست و نه آن اقدام ضروری و من بعد باید لغات لازم را ادبا و نویسندگان بیسند و استعمال کنند و درین راه باید این انجمن و سایر انجمن ها و محافل ادبی پیشقدم باشند و فرهنگستان بایستی بکارهای ضروری تری که وظیفه اوست بپردازد.

فعلاً ما از فرهنگستان ایران متشکریم که موافقت کرده اند دو انجمن یکی ادبی و دیگری علمی در عمارت فرهنگستان و در حمایت این مؤسسه دایر گردد و اکنون انجمن ادبی دایر میشود انجمن ادبی فرهنگستان میخواهد بمعنی حقیقی خود انجمنی باشد که نه تنها در مورد شعر فارسی بلکه در موارد کلی و بطور اعم در زبان و ادبیات فارسی قدمهای مفیدی بردارد و در نظر است که بعد از تجمع افراد لایق این انجمن بشعب یا کمیسیونهای متعدد منقسم گردیده و هر شعبه وظیفه ای از وظایف فنی و ادبی را عهده دار شود مانند: کمیسیون نظم، کمیسیون نثر، کمیسیون خطابه و مناظره، کمیسیون تأثر و نمایش، کمیسیون باستان شناسی، کمیسیون لغات و لهجه های محلی، کمیسیون سرود و تصنیف؛ کمیسیون تاریخ و جغرافیا، کمیسیون علوم و غیره.

این انجمن پس از تشکیل باید جوایزی برای بهترین کتاب و بهترین آثار نظم و نثر تهیه نماید و دولت و دولتمندان را بحمايت از ادبیات و زبان تشویق کند و اوقات انجمن باید بسخترانی های فنی و علمی و تاریخی و بحث و انتقاد و قراءت آثار نظم و نثر و تربیت مکتب های مختلف ادبی مصروف گردد بطوری که بتواند مانند مکتب بزرگی بتربیت و تهیه استادان و هنروران لایق و مفید موفق آید.

امیدوارم این خدمات که در صورت توفیق یافتن در انجام آنها هر کدام بجای خود خدمتی بی نظیر بوطن و زبان مادری خواهد بود بهمت آقایان محترم که ارکان علم و ادب این مملکت اند صورت تحقق یابد.

## انجمن علمی فرهنگستان

نخستین جلسه انجمن علمی فرهنگستان ایران روز سه شنبه سیزدهم اسفندماه ۱۳۲۵ با حضور چهل نفر از دانشمندان و علما (استاد و دکتر در فنون مختلفه) بریاست جناب آقای سمیعی رئیس فرهنگستان تشکیل گردید. بدو آقای سمیعی راجع بتاریخ تأسیس فرهنگستان ایران و سبب ایجاد آن و خدماتی که انجام داده و همچنین وظایف خطیری که برعهده دارد و با مساعدت و همکاری اهل علم و ادب باید انجام دهد شرحی مبسوط و مؤثر بیان فرمودند و آنگاه اشارت کردند که فرهنگستان ایران برطبق اساسنامه بتشکیل دوانجمن ادبی و علمی مبادرت جسته است، انجمن ادبی دوسه هفته پیش تشکیل شده و دراین مدت سرگرم بکارهای مقدماتی از قبیل تنظیم اساسنامه و انتخاب هیئت مدیره و تعیین اعضاء کمیسیونها بوده است.

اکنون هم موجب کمال خشنودی است که بتشکیل انجمن علمی توفیق یافته ایم. امیدوارم آقایان محترم که همه از برگزیدگان و نخبه علمای کشورند پس از ترتیب اموری که مقدمه حسن جریان هرتشکیلی است بکار شروع کنند. بعد آقای گل کلاب رئیس دبیرخانه فرهنگستان شرحی مبسوط در لزوم تشکیل انجمن علمی فرهنگستان و سوابقی که در تأسیس اینگونه انجمنها بوده است بیان کردند و نسبت بتعداد اعضاء انجمن هم توضیح دادند که اکنون شماره اعضاء انجمن قطعی نیست و البته آقایان دیگری هم هستند که باید دعوت شوند. آنگاه از میان مدعوین آقایان: مصطفی عدل، دکتر شیبانی، دکتر بیژن، دکتر افضلی پور، دکتر آل بویه، انتخاب شدند که اساسنامه انجمن را تنظیم نمایند.



در جلسات بعد اساسنامه «انجمن علمی» تنظیم و تصویب شده که بضمیمه اساسنامه «انجمن ادبی» در نامه فرهنگستان بچاپ خواهد رسید.



ترجمه عبدالحمید گلشن ابراهیمی



سخنرانی پر فسور « ماسینیون »

در

فرهنگستان ایران

پانزدهم مه ۱۹۴۵ - ساعت ۱۱ صبح

نشانی « نبرخ »، (۱) ایرانی در تشریح

و بیان افکار و تشکیل لغات فنی

هرب مربوط بنمندن اسلامی .

آقای رئیس فرهنگستان ، همکاران عزیزم !

آقایان بنام علم الاجتماع اسلامی و زبان عربی مرا در جمع خود پذیرفته و این افتخار را نصیب من کرده اند ، بهمین جهت من نیز در اینخصوص قسمتی از مطالعات و آراء خود را بعرض میرسانم باشد که در پیشرفت کار و زحمات آقایان مدد و یاری ناچیزی کرده باشم .

☆☆☆

زبان ایرانی (۲) در طرق تعبیر خود خصوصیات و مشخصات زبانهای « هند و اروپائی » را دارد که هم اکنون بمقایسه آنها با مشخصات زبانهای سامی و همچنین با خصوصیات زبانهای ملتصقه (مانند ترکی) می پردازیم :

---

(۱) لفظ نبوغ که امروز در عرف مترجمین برابر génie فرانسه است در عربی باین معنی نیست و معنای آن خروج و ظهور ، جوشیدن و فواره زدن آب ، ناکهان شعر نیکو گفتن و معانی دیگر است ، و عرب برای معنای مصطلح امروز ما قریحه و ذکاء فائق بکار میبرد . بهمین جهت نیز ما این کلمه و نظائر آنرا در « نشان میدهم (مترجم)

(۲) اصطلاح « زبان ایرانی » ( la langue iranienne ) اعم است از زبان فرس هخامنشی و اوستائی و پهلوی و فارسی ( مترجم )

زبانهای هند و اروپائی پر از تعریض و کنایه است و برای تنظیم و ترتیب عبارات « مدوره » (۱) یکرشته حروف ربط بکار میبرد. ریشه های لغات تشکل پذیر است یعنی قابل آنست که بصورتهای گوناگون در آید ادای حروف مصوت بایساوندهای « پیچسب » ( اعرابی ) که مشگل کلمه است تغییر میکند و تغییرات صوتی بوضع ثابتی معنای ریشه کلمه را عوض میکند. استدلال بر پایه قیاس استوار است و مبنای تفکر بر بحث و فحص بوجه اکمل و امثل است.

زبانهای سامی دارای جمله های کوتاه و مقطع ، و شبیه بجمله هائست که در مورد حکم و امثال بکار برده میشود یعنی غالباً متتالی و بدون حرف ربط استعمال میشوند. ریشه های کلمات ثابت است ( ۳۲۷۶ ریشه ثلاثی : « نوابت » آسمان زبان شناسی ) مصوت کردن حرف آخر کلمات بکنوع تغییر صرفی و نحو است یعنی عارضه ایست که خارج از معنای ریشه است و با آن ارتباطی ندارد. استدلال جدلیست و از طریق معارضه مستقیم و حمله رو در رو آغاز میشود. « هدف » این نوع استدلال آنست که قوه تفکر را از امور آنی و زود گذر باز دارد.

زبانهای ملتصقه تصویری هستند یعنی بایک نوع نظم ذهنی و ترتیب تزیینی القاء مطلب و افاده مقصد میکنند. رشته مقوله و کلام از اعراض شروع و بجواهر ختم میشود. ریشه ها بطور کلی دو حرفی است. صورت حروف غیر مصوت کلمات بایک نوع مناسبت و علاقه دقیق و اصلی بسته بحركات و حروف مصوت آنهاست. استدلال در لفافه های شاعرانه ( قیاس خطابی ) آغاز میشود ، و این طرز استدلال شبیه بخندق هائست که در دور شهر بمنظور بستن راه بر مهاجمین حفر میکنند. بسط دامنه تفکر و قوت تصور منحصر در اینست که بدون برهان شخص را از زشتیها باز دارد.

این سخن را نیز نا گفته نگذاریم که در زبانهای هند و اروپائی ازمنه افعال

---

(۱) عبارت مدوره ( période ou phrase périodique ) عبارتی است پیچیده که مرکب از چندین جمله باشد و فقط از مجموع آنها معنای کاملی بدست آید. عبارت مدوره ممکن است مرکب از دو یا سه یا چهار پاره باشد که هر پاره تشکیل یک جمله میدهد. از شروط اساسی عبارات مدوره هم آهنگی و حسن تناسب جمله ها و ازدواج کلمات و سیر منطقی افکار یا احساسات است. اصطلاح « عبارت مدوره » را ما از کتب متأخرین عرب گرفته ایم ( مترجم ).

وابسته به « عامل » است، در صورتیکه درسامی ازمنه مطلق است یعنی فقط راجع به « عمل » میباشد، و درترکی « آنی » است یعنی بالحظه وقوع فعل ارتباط دارد.



اگر من این مقابله سه گانه را پیش کشیده و در این بحث تعلق خاطری نشان داده‌ام از آنجهت است که ایران از قدیم الایام مهد پرورش جماعات و اقوام مختلف بوده و در این سرزمین اقلیتهای بیگانه و غیر ایرانی را که بتحقیق سامی و تورانی (ترك) بوده‌اند در دامان خود جای داده است. از زمان پادشاهی هخامنشیان دولت ایران امپراطوری وسیعی را تشکیل داده که دامنه اش در اقطار جهان کشیده شده و مرکز زبانهای مختلف شده بود، و بدیهی است که با این وضع زبان ملی نتوانست بر حسب قوانین علم ترکیب اصوات (یا واج شناسی phonétique که من بآن قوانین چندان عقیده ندارم: مراجعه شود بکتاب Le phénomène des collisions, étudié par Gillieron) آنطور که باید و شاید بسط و توسعه یابد ولی برخی از کلمات مولده خارجی را که بمنزله لغات مجرد و بسیط بود و بمفهومات عقلی و کلی‌های منتزع تحویل و تبدیل یافته و از قید ماده حواس آزاد و فارغ شده بود در خود منحل کرد و دایره خود را باین طریق وسعت داد و بتدریج بزبان فرهنگ و تمدن تبدیل یافت.

از پیش از اسلام که تماس و رابطه عنصر ایرانی با عنصر عرب مرهون این دین است، هر يك از این دو زبان جدا گانه و مستقیماً از يك زبان فرهنگی قبلی متأثر شده و از تمدن آن برخوردار شده بودند:

زبان مزبور زبان « آرامی » بود. اهل اطلاع میدانند که در عربی کلمات اصلی مانند « فرقان » و « رحمان » و « لاهوت » در زیر نفوذ آرامیها تشکیل یافته است همانطور که در پارسی قدیم پهلوی تشکیل یافته بود.

ما در اینجا بمسأله تاریخی بسیار مهمی بر میخوریم و آن عبارت از « نقش » یکی از طبقات ساسانی یعنی طبقه دیوران است. این طبقه بخصوصی در هایتخت امپراطوری یعنی مدائن (تیسفون) که مرکز معروف ایران و رقیب قسطنطنیه

بشمار بود و شانزده سال بعد از ظهور اسلام بدست مسلمین افتاد نفوذ داشتند. و همین میرساند که چقدر باید نبوغ ایرانی در پیشرفت تمدن اسلامی کوهک و یاری کرده باشد. این دبیران پیش از هر چیز ایرانی بودند «ولی» غالباً از زنادقه بشمار میرفتند و اگرچه زبان آنها لهجه دری بود لیکن بیشتر مسیحی و مانوی و یهودی بودند، و مخصوصاً آنها که جزء یهودیان بودند کاملاً با آداب و روش آرامیها گرویده و باصل رجوع کرده بودند. بر این طبقه که مأمور دفاتر تقویم املاک و مالیات و خزانه بودند طبقه دیگری بنام طبقه «شهود» یا «گواهان» میپیوست که در محاکم و دادگاههای اسلامی شغل رسمی آنها همین بود (مانند صاحبان محاضر امروز). این دو طبقه چون ناچار بودند که دفاتر خود را بزبان عربی بنویسند با تحقیق بفرافرا گرفتن این زبان پرداختند، و ایجاد نثر فنی عربی و بنیان علوم بلاغه در درجه اول مدیون و مرهون این دو طبقه است. این مطلب بسیار مهم است زیرا که نثر عبارت از آزادی فکر است، و از قید قافیه که شعر را از تعبیرات روشن و ایضاح مطالب باز میدارد برکنار است. نثر قرآن که فواصل<sup>(۱)</sup> آن پیوسته تابع نظم فکریست در این زمینه نخستین اثر و اولین کرده زبان تمدن و فرهنگ بشمار است، و بهمین جهت است که «دوروزیها» املاء ملهم قرآن را یکی از دوستان پیغمبر اسلام یعنی سلمان ادیب ایرانی نسبت میدهند و او را با جبرئیل تطبیق میکنند و هر دورا یکی میدانند. اکنون باید دید که تشخیص علامات و آثار نفوذ و تأثیر عنصر ایرانی در لغات فنی عرب چگونه میسر است. غالباً گمان کرده اند که نفوذ ایرانی با اعمال زور و خشونت و انتقام نژادی حاصل گردیده است، لیکن حقیقت اینست که چون ایرانیان آئین توحید یعنی دین اسلام را از ثنویت مزدا پرستان برای فکر مقنع تر و پسندیده تر یافتند باطوع و رغبت باین دین گرویدند، و پیوستن این گروندگان ایرانی موجب شد که قوت اندیشه و نیروی تفکری که موجد لغات فراوان فلسفی و حکمی عرب گردید در استخدام و اختیار اسلام و فرهنگ عرب قرار گیرد. در طی این لغات، اصطلاحات حکمای رواقی و طرفداران حکمت اشراق و ما نویان بیشتر

۱ - آنچه را که در نظم «قافیه» و در نثر «سجع» میگوئیم در قرآن «فاصله» مینامند.

از متائین بکار رفته بود، چنانکه بعدها برخلاف، بیشتر اصطلاحات حکمای مثناء مورد استعمال یافت، و بهمین منطبق است که در صرف و نحو عرب مکتب کوفه بتقلید مکتب یونانی رواقیون «پر گام» (مخالف قیاس) در درجه نخست و پیش از مکتب بصره که تابع مکتب یونانی مثناء اسکندریه بود بسط و توسعه یافت Normalisation logique (رجوع شود به César)

برخی گفته‌اند که تا عصر فردوسی خسوف بر نبوغ ایرانی حکمفرما بوده، لیکن این سخن کاملاً نادرست است زیرا که در اثر کوشش متفکرین عربی نویس ایرانی بود که قاموس و «فرهنگ» فنی عرب تشکیل یافت و بر نثر جدید ایرانی خط مشی و راهی عرضه شد که شروع آنرا ازغزالیها و سهروردی مقتول باید دانست. در اینوقت متفکرین ایرانی در تکمیل کار ترجمه فلسفه یونانی که در زبان سریانی آغاز شده بود اهتمام داشتند و مترجمین از سریانی به عربی را مختیر کرده بودند که از میان اصطلاحات مخصوصه سریانی، یایونانی که در لفاف سریانی در آمده و رنگ این زبان را بخود گرفته بود، بذوق خویش اصطلاحات لازم را برگزینند. و آنکه این چون زبان عربی (که نه تنها لسان الصادب لکه زبان اضداد است) دارای بسی ریشه‌های نومعینین و متضاد المعنی است (از قبیل کفر، غفر، حرم) جمعی از نویسندگان عرب که از نژاد ایرانی بوده‌اند در ساختن اصطلاحات فنی خود یکی از این دو معنای متضاد را بدلخواه خویش برگزیده و از معنای دیگر صرف نظر کرده‌اند. و بهمین مناسبت است که مستشرقین هر وقت در صدد یافتن معنای مستعمل یکی از اصطلاحات فنی عربی در اقل مدت هستند یکی از کتابهای لغت فارسی مراجعه میکنند و آنرا بر قاموسهای عربی رجحان مینهند.

در قبال اصطلاحات فنی کلی و اسماء معنی، ایرانیان در همان اوان برخی اسماء ذات که از مشاهدات حسی و تجربی متفرع بوده در تمدن و فرهنگ اسلامی وارد کرده‌اند. من در اینجا مخصوصاً از اسماء الوان و رنگها سخنی یاد میکنم: توجه همیشگی ایرانیان نسبت بر رنگ آبی (یعنی رنگ مخصوصی یکی از طبقات چهارگانه) معلوم خاطر مطلعین میباشد.

از آغاز قرن نهم میلادی (اواخر قرن دوم و اوائل قرن سوم هجری) قاموس فنی عرب لغات فارسی الاصل «آسمانجونی» (آسمانگون) و لازورد (لاجورد) را در خود پذیرفت. بهره و نصیب اسماء ذات و لغات فنی ایرانی در دانش عرب در زمینه موسیقی بیشتر و افزونتر است.

ابن سینا که اینهمه در اصلاح و بهبود زبان فلسفی فارابی اهتمام کرده است برای مقامها و آوازهای ایرانی در انتخاب اسمهای ایرانی تردید نکرده است مانند نوا و اصفهان و سلمکی (قسمی از آواز راست).

این نقش نبوغ ایرانی در روی کار آوردن لغات مؤلده که خود موجد نظام و ترتیب فلسفی و حکمی بود تفوق و سیادت اسلام و آوردن قلمرو جغرافیائی همسایه ایران یعنی ترکستان و هندوستان محرز و تثبیت کرد. در ترکستان که هنوز اصول و مبادی لغات مربوط بعوالم روحی و کیفیات نفسانی ساخته و پرداخته ایرانیانست، طبقه دبیران ایرانی (ایرانیان سغدی) از پیش از اسلام در قدیمترین زبان محاوره‌ای ترکی کلماتی مانند «اوچماق» (بهشت) و «تموق» (دوزخ) وارد کرده اند. در هندوستان فتوح مسلمین که بدست ایرانیان ترک نژاد انجام گرفت بیک اثر تاریخی قابل ملاحظه‌ای منجر شد، توضیح آنکه ساطانهای دهلی اداره دفاتر اداری را بطبقه کوچکی از هندوان محلی یعنی طبقه «کیاسها» واگذار کردند، و این امر موجب شد که این طبقه اعتبار خاصی در تاریخ تمدن هندوستان یافتند. این طبقه که بمذهب برهمنائی خود باقی ماندند زبان فارسی را عمیقانه یاد گرفتند (و هنوز هم ترانه‌های عروسی آنها بفارسی است). همین طبقه است که ترجمه شاهکارهای سنسکریت مخصوصاً «اوپانیشاد» را برای ما بیادگار نهاده، و با استعمال لغات فنی عربی و واژه‌های فلسفی و معرفه‌الروحی ایرانی، در اتحاد دین اسلام و آئین هند و اهتمام کرده‌اند. از زمان «کبیر» (که باصوفی شیراز ابن خفیف معروف بشیخ کبیر همنام است) و «اکبر» و «داراشکوه» تا زمان یکی از مؤلفین معاصرمانند «سر محمد اقبال» که در نوشته‌های خود تشریح کرده که تاچه پایه شخصیت و نکات دقیقه تصوف هندی مرهون اسلام است، آثار پارسی گوینان و پارسی نویسان مورد مطالعه جامعه‌ای بوده است که شمارشان

در هندوستان ده برابر ایرانست خوبست در اینجا بهمین اشاره اکتفا کنیم و بگذریم  
( رجوع شود به Brésil et Portugal )

شاید لازم بود که دو طی جدولهای سنجشی راجع بمداخلهٔ ایرانیان و تازیان  
و تشریک مساعی آنان در رنگارنگی و تنوع حروف مصوته ( حرکات و علامات ) و  
ترکیب و ترتیب حروف غیر مصوت مطالب بیشتری گفته شود... از روی جدولهای  
سنجشی میتوان دانست که طبق قانون اعداد کثیر الارقام دریک عبارت ، « الف » ( A )  
در عربی ۴۹ درصد و در ترکی ۱۴ درصد و در فارسی ۱۵ درصد حرکات است . بهمین  
طریق میتوان نسبت صدی چند حروف غیر مصوت را نیز مورد بحث قرار داد .



اکنون بهتر آن میدانم که بآنچه در باب الفاظ و اصوات گفتم اکتفا کنم و  
بهمکاری شما حسن توجه و اقبال نویسندگان مسلم عرب را در توسل بطرق فعالیت  
ذهن و « حملهٔ فکر » برای پاره کردن قیود زمان و مکان که داعی آن توجه ، نفوذ  
نبوغ ایرانی بوده است مورد مطالعه و بررسی قرار دهم .

اگر مراد سخن اینست که با ایصال خود بدنمای مثل افلاطونی خوشتن را از  
قید مکان و زمان آزاد سازیم ( هر چند که « کانت » این آزادی را از طریق عقل امکان پذیر  
باور ندارد و میگوید: باید اعتراف کرد که تحقق علو و نفوق فکر نسبت بزمان و مکان کار ذهن  
ماست نه عقل ) (۱) پیروی از این رشد میتوانیم طرق مختلفی برای فعالیت ذهن و حملهٔ  
فکر بیابیم ، تافکر با قدم ترقی و تکامل ، فضا و مکان را پیموده و در فوق آنها قرار  
گیرد . این طرق همچنانکه پیش از این گفتیم یا حملهٔ رو در روی (جهی) است که

---

(۱) کانت میگوید: فلسفه اولی علم بمجردات است و این علم بقوهٔ عقل برای انسان فراهم می آید ،  
و نخستین وسیلهٔ علم برای انسان تجربه است که بحس و شهود حاصل میشود ، لیکن علم انسان تنها  
بوسیلهٔ حس نیست و ذهن در کسب معلومات بر تائیراتی که از راه حس باو میرسد از خود نیز  
چیزی می افزاید . جای دیگر میگوید ، صورتی که تنظیم کنندهٔ وجدانات است دو وجه دارد ،  
یک وجه بیرونی که حادثه را از بیرون در ذهن نمایش میدهد و آن « مکان » است و یک وجه درونی  
و آن « زمان » است که ذهن آنرا بیرون از خود تصور نمیکند بلکه در درون می یابد . در جای  
دیگر میگوید ، ذهن وجدانات قبلی (زمان و مکان) را درک میکند و عقل مفهومات قبلی (مقولات) را .  
برای توضیح بیشتر رجوع شود به « سیر حکمت در اروپا » ، جلد دوم ، فصل هفتم ( مترجم ) .

از آن به «جدل» تعبیر میکنند، و یا جمله از پهلو (جنبی) است که بالفظ «قیاس» می‌رسانند، و یا جمله تدافعی است که در لفاف برهان شعری صورت می‌گیرد و از آن به «قیاس خطابی» تعبیر می‌آورند. (قیاس خطابی از زمان تعلیم شعر در «ارغنون» یعنی منطق ارسطو صحیح و مورد اعتبار شمرده شده است).

حال اگر زمان را مورد ملاحظه قرار دهیم خواهیم دید که روش «حمله فکر» بر حسب سه کیفیت عرضه میشود و بوسیله سه «اسباب» که اختراع آنها یکی پس از دیگری بوده بمرحله عمل و تحقق درمی‌آید. این سه اسباب که نمودار زمان میباشد یکی ساعت آبی است که متناسبت با جریان و جز رومد منظم زمانست، دیگر شاخص کلدانیان (قسمی ساعت آفتابی بشکل لاوک نیمکره) که یاد آور وجوه زمان و نیز متوافق با موسیقی مقامی است. سوم ساعت آونگی که مطابق با توافق اصوات و هم‌آهنگی مایگی (۱) است. تاریخچه موسیقی در قرون وسطی (از اول قرن پنجم تا نیمه قرن پانزدهم میلادی) آنقدر روشن نیست که بشود بطور قطع و یقین حکمی کرد لیکن شاید بتوان گفت که نبوع ایرانی موسیقی مقامی را که در تمام دنیای مسلم عرب اشاعه یافته بود بسط و توسعه داده و نعماتی با اسمهای ایرانی در موسیقی بکار برده است (مانند نهاوند و زیرافکنند و حجاز گر (۲) و غیر آنها)، و نبوع نژاد سامی (و یا بقول صحیحتر پیش از سامی، عرب جنوبی، نزدیک بتورانی) صور ایقاع را بروجه دیگر نهاده است (مانند مدون، شبر، مسمدی و غیر آنها).

اینک طرق «حمله فکر» را در قبال مکان که نمودار آن علم «نقشه کشی» و هنر «آرایش باغها» است کمی بتفصیل مورد مطالعه قرار میدهیم:

در نقشه کشی سه روش اصلی میتوان تصور کرد: قدیمترین و ابتدائی ترین آنها اسلوب کتابهائست که شامل وصف بنادر و جریان رودخانه ها و غیر آنست. در این نقشه ها خط سیر کشتیها بموازات ساحل ترسیم میشده، و اسلوب ترسیم آنها

---

۱ - «گام» (یا نردبان آهنگ) مایه، مقام (یا پرده) اصطلاحات مختلف موسیقی است که در اینجا مجال شرح آنها نیست. برای شناسائی هر کدام و اختلاف آنها با یکدیگر رجوع شود بکتاب «نظری بموسیقی» تألیف آقای روح‌الله خالقی، جلد اول، فصل ششم (مترجم).

۲ - باستاند قول استاد ارچند آقای ابوالحسن صبا «حجازکار» (مترجم).



عاری از ظرافت ولی روشن و نمایان بوده و تناسب دقیق و صحیح دریاها و قاره‌ها مورد اعتنا نبوده است، زیرا که مقصود از این نقشه‌ها فقط تعیین انحرافات و پیچ و خمها و معاهد خط سیر بوده است. از قرائن اینطور فهمیده میشود که عربها منحصرأباین قسم نقشه برداری علاقه نشان میداده‌اند. روش دوم روش منطقی تصاویر قائم است نظیر نقشه‌های «بطلیموس» و «مرکاتر» (۱). این قسم نقشه برداری نمود از نوق یونانیان بوده. علاوه بر این دوروش 'روش سومی نیز وجود دارد که مخصوصاً نقشه برداران ایرانی بآن ابراز علاقه میکرده‌اند. این روش که در آغاز نقشه برداری در اطلسهای عربی مانند اطلس اصطخری رواج و تداول خاصی یافت، با اسم «هفت کشور» معروف است. کیفیت ترسیم این جور نقشه‌ها که در واقع یکنوع تصویر قطبی است چنین بوده که ایالتی را که مرکز مملکت است در وسط بصورت دایره‌ای (دایره مدائن و بابل) رسم میکردند. آنگاه این دایره را درزنجیره‌ای که از شش دایره مماس، باشعاعهای مساوی تشکیل یافته بود محاط میکردند. در این قسم نقشه‌ها هر قدر از محیط بداخل هر يك از دواير پيش برويم فساد شكل و بعد بیشتر میشود، لیکن با وجود این عیب از لحاظ هندسه و هنر ارزش خاصی دارد.

اکنون بموضوع آرایش باغها که در ایران پیوسته اهمیت خاصی داشته است میپردازیم. فلات ایران (۲) با «حوضه» های مسدود و رودخانه‌هایش که بدریا نمیرسند

---

۱ - باید دانست که در نقشه‌کشی قواعد مختلفی بکار است که بعضی از آنها را «قواعد تصویر» و برخی دیگر را «قواعد گسترش» مینامند. معروفترین قواعد تصویری «تصویر قائم» است و آن یا برصفحه نصف النهار است و یا برصفحه استوا. و مشهورترین قواعد گسترش یکی «تصویر استوانه‌ای» یا «تصویر مرکاتر» است و دیگر «تصویر مخروطی». بنا بر این نقشه مرکاتور را نباید جزء تصویر قائم دانست بلکه تصویر استوانه‌ایست، که در آن نصف النهارات متساوی‌البعده بخطوط قائم (نه تصویر قائم) و مدارات متساوی‌البعده بخطوط افقی نموده شده با این فرق که خطوط قائم متساوی‌البعدهند و اسی خطوط افقی هر قدر که از استوا دور شوند فواصلشان از یکدیگر کمتر میشود، یعنی در این تصور ناحیه استوائی بمقدار حقیقی نموده میشود، اما تصویر نواحی قطبی از مساحت حقیقی چندین برابر بزرگتر است (مترجم).

۲ - ما پیروی از عرف «فلات ایران» گفتیم، لیکن باید دانست که فلات در عربی بمعنای بیابان است و اگر میخواستیم کلمه‌ای برای معنای مصطلح آن از عربی بیآوریم بایستی «نجد ایران» گفته باشیم. (مترجم)

درواقع بمنزله بیابان بزرگدست که واحه های بسیار یعنی باغهای محصور در آن تشکیل یافته است. باید دانست که فن آرایش باغها از لحاظ سیرافکار و فعالیتهای ذهن انسانی یکی از فنون بسیار جالب و بدیع است. انسان چون در هر مکان که بود خود را پای بند کار و گرفتار زحمت یافت بناچار درصدد ترتیب جاهائی برآمد که بتواند آزادی خیالی خود و فراغی را که کمال مطلوب اوست در آن مکانها بدست آورد و بنابراین قوه تصور بشر بیرونی از تمایلات درونی او بابداع و ایجاد انواع باغها پرداخت. عوامل مختلف و مختلطی که در ایران تأثیر کرده است موجبات تشکیل و ترتیب انواع و اقسام باغها را در این سرزمین فراهم کرده است، و تبعیت ایرانی از تمدن مسلمانان عرب ثمره شیرینی بیار آورده است.

قدیمترین انواع باغها ظاهراً نوع باغ چینی است که اساس آن مبنی بر چشم انداز سرایشب آنست (مانند پرده نقاشی مدرسه Tosa) صاحب باغ برصقه مرتفعی نشسته و در جلو او دریاچه ایست که نام آن «آب بامداد جاویدان» است، در وسط این دریاچه جزیره ای از آب بیرون آمده و بنام «کوهستان مقدس نیکبختیهای جاویدان و بی شمار» خوانده میشود. این جزیره بدرختهای کاج که نشانه طول عمر است آراسته شده و بشکل «سنگ پشت» است، زیرا که این حیوان در افسانه های چینی جانور است که از اوقیانوس بیرون آمد تا دانش را بوسیله مربع جادویی بآدمیان بیاموزد (۱). این مربع که از اعداد ۴۹۲ و ۳۵۷ و ۸۱۶ تشکیل مییابد همان مربعی است که فیلسوف ایرانی امام محمد غزالی در پایان اعتراف فلسفی خود از آن سخن رانده است (۲). ملاحظه میشود که عدد (۵) اولاً همانقدر که مورد علاقه فرقه شیعه است مطمح نظر چینیهها نیز بوده، ثانیاً این عدد در وسط مربع جادویی که از

---

۱ در اینجا تناسب مربع و چهار دست و پای سنگ پشت ظاهراً مورد نظر بوده است (مترجم).  
۲ - در این مربع جادویی (یا بتعبیر دیگر، مثلث وقتی) هر سه رقمی را که بر حسب قدر مطلق با هم جمع کنیم (افقی، عمودی، قطری) حاصل برابر، یعنی ۱۵ میشود و چون این حاصل بر ۳ تقسیم شود عدد وسط بدست میآید. غزالی در اواخر کتاب «المنقذ من الضلال» که از «خرافات» سخن میدارد میگوید، این شکل را بردو قطعه پارچه آب ندیده نقش میکنند وزن بار دار که زائیدن بر او سخت باشد نخست بر آن دو پارچه نگاه کرده آنگاه آنرا در زیر کف یاهای خود قرار میدهند، در نتیجه زائیدن بر او آسان شده و طفل زودتر بدنیا می آید. (مترجم)

نهر رقم اول سلسله طبیعی اعداد تشکیل شده قرار دارد . باید این نکته را نیز خاطر نشان ساخت که ژاپنیها در نوع باغ چینی تغییری دادند و برای ورود بجزیره وسط یلهائی درست کردند تا وصول بدان غیر مقدور نباشد .  
نوع دوم از فن آرایش باغها نوع رومی است .

در آرایش این نوع باغ ، هوش و تدبیر و هندسه از عوامل عمده بشمار است . زمین مسطح باغ و سراسر فضای آن تا دامنه افق در زیر چشم قرار داشته و بوسیله خیابانهای مشجر آن که عمودی یکدیگر را قطع میکنند رفت و آمد در قسمتهای مختلف باغ میسر است . دیگر از خصوصیات این باغ مجاری آب و قناتهای آنست که بشکل بادبزنیهای «شاخی» ترتیب داده شده و در فواصل آنها ردیف درختانی را کاشته و شاخ و برگهای آنها را باشکال هندسی در آورده اند . در ایران باغهایی مانند باغ فرح آباد نزدیک اصفهان ( که Beaudouin درباره آن مطالعاتی دارد ) دیده میشود که خاطره ای از جزیره چینی را با باغهای رومی بهم می آمیزد .

ولی در خیلی قدیم ، ایران که کلمه « پارادی » فرانسه ( Paradis ) مأخوذ از زبان قدیم این کشور است (۱) ، يك نوع ثالثی از انواع باغها را پسندیده و برگزیده بود که از يك نوع قدیمی سامی اقتباس شده و بنام « چهار باغ » خوانده میشد . در وسط محوطه مربع شکل بلندی ، چهار نهر یکدیگر را تلاقی کرده و آبهای آنها باستخر بزرگی می پیوست که سطح شفاف آن مانند آبکینه تابناکی باغ را در خود منعکس میکرد . در کنار این سطح شفاف ، صاحب باغ در کوشکی نشسته و بجمع اندیشه های پریشان خود مشغول است . در اطراف این آبکینه تابناک ، از مرکز محیط ، نخست گلهای خوشبو ، آنگاه درختان بزرگ و « تنگک هم » خودنمایی میکنند . این نوع باغ از یکطرف نمودار باغ محصور است که در « غزل غزلها » ( نشید الاناشید ) شاعرانه یاد شده ، و از طرف دیگر یکی از نمونه های زواج و امتزاج نبوغ ایرانی با اصول فنی و فکری عرب است .

در خانمه این مطلب را نیز یاد آور شویم که نبوغ ایرانی در هر دوره از ادوار

اسلامی، بدون آنکه در اصول لغات و احتمالات لغوی زبان عرب دستی بزند و تحریفی وارد آورد، دایره اطلاق مصطلحات فنی و فرهنگی خود را از لحاظ معنی توسعه داده است، مثلاً کلمه «حق» که بمعنای عدل و داد، و وظیفه و دین است بمعنای «خدا» بکار رفته است، و کلمه «رحله» که در اصل بمعنای کوچ کردن و رفتن است بمعنای «مرگ» استعمال شده است. و بدستگیری طبقه دیران (منشیان) کلمه ترکیبی «قبله گاه» که بمعنای کعبه و جانبی است که بدان سوی نماز میگزاردند در میان مسلمانان هند گذشته از معنای آستانه و درگاه از لحاظ احترام مقام «ابوت» بمعنی «پدر» نیز بکار رفته است. بدین طریق ایرانیان در ضمن آنکه بوسیله اصطلاحات دینی دایره مجاز را وسعت میدادند، بوسیله لسان عرب و معانی مجازی کلمات، مبحث فقه و عبادات را از حالت قشری بیرون آورده معنویت و عمق خاصی بآن بخشیدند. وانگهی بر مطلقین پوشیده نیست که مجاز شرعی در نظر حکمای الهی مسلمین از معنای حقیقی کلمات حقیقی تر و بواقعیّت نزدیکتر است. «مالارمه» (Mallarmé) شاعر و اقمی را به «فرشته» تشبیه کرده و میگوید: «وی بلغات قوم معانی پاکتر و روحانی تری میدهد». در واقع معنای قطعی هر کلمه همان معنای مجازی و عرفانی اوست زیرا که مقصود را کاملاً میفهماند و فکر را از قید قالبی که برای او مستعار است میرهاند.

برای آنکه در این خصوص تمثلی کرده باشم عبارت فلسفی بلیغ و پرمعنائی را که از فلسفه افلاطونی قدیمی فراتر نهاده است از گفته های دوست خود «ندون سل» (Nédoncelle) فیلسوف معاصر بعبارت میگیرم. وی میگوید: «مکان یا (فضا) معلقی است همه جائی و زمان ابدیتی است متأخر. قوام و دوام عشق حقیقی و وصول بمعشوق مثالی که فارغ از زمان و مکانست وقتی میسر است که در ظلمت رموز پای گذاریم و شام تار عشق مجازی را بر آریم.» یا همانگونه که ابوسعید ابوالخیر در رباعی معروف خود گفته است

کرد در و بام دوست پرواز کنند  
الّا در دوست کو بشب باز کنند

برخیز که عاشقان بشب راز کنند  
هر جا که دری هست بشب بر بندند

## سایه و روشن

زد پنجه و پنج پنجه ام بر تن  
یاریم نکرد زور و سر پنجه  
شد لاشه عمر پیر و فرسوده  
خندان خندان جوانیم دزدید  
گریبان گشتم زیبری و خندید  
برخاست جوانی از برم گریبان  
آن يك بهزار نعمت آماده  
آن رفت و نهاد بیم یاد افره  
از پای قدام و نیاسودند  
ایام نهفت آب و رنگم را  
مویم بمثال صبح روشن شد  
هیئات جوانیا کجا رفتی  
داد تو ندادم آن همایون روز  
بودم سر مست قوت بازو  
نه لابه رستم در آن مستی  
ناگاه زکید زال گردون زد  
اینک منم او فتاده در دامی  
هر روز کالتی شود پیدا  
درمانده بشوم بلده ای کانبجاست

زین پنجه عظیم رنجه گشتم من  
با پنجه روزگار مرد افکن  
وین کره بخت همچنان توسن  
خردك خردك زمانه رهزن  
بر گریه من ستاره ربمن  
پیری بیرم طیبید چشمك زن  
این يك بهزار نکبت آبستن  
این آمد و بُرد امید یاداشن  
يك لحظه ز تاختن دی و بهمن  
در نقش و نگار سایه و روشن  
روزم بمثابه شب ادکن  
باز آ که شویم دست در گردن  
کز فیض تو بود ساختم گلشن  
چون بر لب هیرمند روئین تن  
بنمودی ره نه پند پشیو تن (۱)  
پیری تیری بچشم از آهن  
کزوی نرهد بمکر و فن ذیفن  
هر لحظه نقاهتی شود معلن  
الکاسب او خدای را دشمن

(۱) پشیو تن کلمه صحیح پهلوی است و در شاهنامه تعریف شده است.

ور نام پسر نهی حبیب الله  
در عرضه خرد بنرخ ارزن سیم  
جوسنگه تراز ویش کم از خردل  
ناخوانده کتب زهیچ باب الا  
افتاده بجان ملک دزدی چند  
نه از در بزم و بذله و جوشش  
نه عرض کس از زبانشان مأمون  
افشانده نمک بخشک ریش ما  
نگرفته زهیچ وقعتسی عبرت  
خیزند بدعوی و کنند اصرار  
از دفتر حکمت و ادب رفته است  
مقیاس تمیز خادم از خائن  
طاعت نبرد ز اوستا شاگرد  
روزی که جوان و نامجو بودم  
و امروز که پیر گشته ام گویند  
خوبست که خرد سالکان زین پس  
ای پیر مرنج کاین جوانان نیز  
بی پیر مباد کشور دارا

تصحیف شود خبیث اهریمن  
در بیع دهد بنرخ سیم ارزن  
خروار قیانش کمزینجه من  
در پیش پدر فصول مکرو فن  
همچون شیشه بجلد جوزاغن (۱)  
نه از در رزم و نیزه و جوشن  
نه جان کس از فسادشان ایمن  
یک طایفه خشک مغز تر دامن  
نهاده بهیچ سنتی کردن  
بر گفته نا صواب نامتقن  
و افتاده بدست مردم برزن :-  
میزان عیار عاقل از کودن  
حرمت نهد برو ستم بیژن  
پیران بودند قبله میهن  
پیری بزمانه نیست مسنحس  
ندهند دگر بسالخوردی تن  
تازند دو اسبه سوی این مسکن  
بی پیر مباد مملکت بهمین



(۱) جوزاغن و جوز آکن همانست که جوزغند شده و بفلط جوز قند خوانند .

عنوان بعضی از مقالات که در شماره‌های پیش بچاپ رسیده است

- |                        |                                |
|------------------------|--------------------------------|
| مرحوم محمد علی فروغی   | فرهنگستان چیدست :              |
| آقای جلال همائی        | گفتار در صرف و نحو فارسی :     |
| » دکتر رعدی            | تاریخچه فرهنگستان :            |
| » پور داود             | کلمه فرهنگستان :               |
| » سعید نفیسی           | فرهنگستان فرانسه :             |
| » دکتر صدیق            | توضیح در تاریخچه فرهنگستان     |
| » محمد قزوینی          | چند کتاب مهم فارسی :           |
| » احمد بهمنیار         | املائی فارسی :                 |
| » عبدالعظیم قریت       | پساوندهای آتصاف و مالکیت :     |
| » دکتر صدیق - دکتر غنی | رجه احوال پروفیسور نیکلسن :    |
| » علی اصغر حکمت        | برهان قاطع :                   |
| » سرتیب نخجوان         | گل و بلبلی :                   |
| » ملک الشعراء بهار     | روابط فرهنگی ایران و هند :     |
| » علی اکبر دهخدا       | پژوهش نامه :                   |
| » ادیب السلطنه سمیعی   | دعوت علمی :                    |
| » حسین گل کلاب         | فرهنگستان اتحاد جماهیر شوروی : |
| » بدیع الزمان فروزانفر | اشعار :                        |
| » سعید نفیسی -         | شرح احوال استاد کرستن سن :     |
| » دکتر ذبیح الله صفا   |                                |
| » احمد اشتری           | گل و پروانه ( شعر )            |
| » حبیب یغمائی          | ترجمه تاریخ طبری :             |
- جزاین مقالات ، درنامه فرهنگستان خطابه‌ها و اشعار و مقالاتی دیگر و همچنین آئین‌نامه‌های مربوط بفرهنگستان ایران درج است که باید بفهرست جداگانه هر شماره رجوع کرد .